

ارینی رئای رور

ارین انتزادا کلی
شهلا انتظاریان



سرشناسه : کلی، ارین انترادا Kelly, Erin Entrada
 عنوان و نام پدیدآور : لالانی، دختر دریای دور / ارین انترادا کلی : شهلا انتظاریان.
 مشخصات نشر : تهران: داستان جمعه، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۳۰۰ ص. ۵۴/۲۱/۵۴، ۱۴/۵ س.م.
 شابک : 9786226969055
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت : Lalani of the distant sea, 2019.
 موضوع : داستان‌های نوجوانان انگلیسی-- قرن ۲۱ م.
 موضوع : Young adult fiction, English-- 21st century
 شناسه افزوده : انتظاریان، شهلا، ۱۳۳۹-، مترجم
 رده بندی کنگره : PZ۷/۱
 رده بندی دیویی : [ج]۸۲۳/۹۱۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۹۰۹۲۷۰



لالانی، دختر دریای دور

داستان جمعه

ارین انترادا کلی

شهلا انتظاریان

محدثه گودرزنیا

زهره حسن خانی

حمیده سلیمانی

اول ۱۳۹۹

گلها

۱۰۰۰ نسخه

۴۸۰۰۰ تومان

عنوان کتاب

ناشر

نویسنده

مترجم

ویراستار

کتاب آرایی

طراح عنوان

نوبت چاپ

چاپخانه

شمارگان

قیمت

حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص انتشارات داستان جمعه است.

©

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	آن سه نفر
۱۹	خانه‌ی نور
۲۱	دختری روی صخره‌ها
۲۹	خانه‌ی سایه‌ها
۳۵	بیبی هستی که بینتی آواز می‌خواند
۳۸	سبزه
۴۱	جولانها
۴۵	شجاعت هفت‌جی
۴۹	دهانی پر ماهیون
۵۳	تو سانلاجیتایی هستی
۵۶	قلب ابری و سنگی
۶۱	توی
۶۷	مکار
۷۱	تو لوزت مجنون هستی
۷۳	بعد حمله می‌کنند
۸۱	چشم‌ها
۸۶	السیت
۹۱	درست مثل یک دختر
۹۷	سه قطره
۱۰۱	تو نالوپایی هستی

۱۰۳	باور هستی
۱۰۶	زیر آسمان بی‌ابر
۱۰۸	درست همین جا بایست
۱۱۵	قوی‌ترین ماهی
۱۱۹	روز قایق‌رانی
۱۲۶	بیندازش دور
۱۲۸	یک، دو، یک، دو
۱۳۱	سپاسگزارم، اُلسیت
۱۳۳	باران
۱۴۰	در
۱۴۵	بواب‌داد
۱۴۹	دوباره
۱۵۶	فقط یک
۱۵۹	مدفون
۱۶۱	تو دیتاسا یولاد هستی
۱۶۳	هیچ چیز را دور نینداز
۱۶۶	در تاریک‌ترین شب
۱۷۰	در دریای وئیلد
۱۹۱	تو گویاک هستی
۱۹۴	در ساحل دور دست
۲۰۰	در سانلا جیتا
۲۰۳	تو ونبو هستی
۲۰۶	جنگل



۲۱۰	داستان یوسائو
۲۱۵	بینتای
۲۱۹	جنگل ونبو
۲۲۷	تو یوتا هستی
۲۳۰	پسرها با سبدها
۲۳۵	کوچولو
۲۳۷	حیوانی که هرگز نبود
۲۳۹	در مدت سه روز
۲۴۱	برند: حواهر
۲۴۵	و بائو نیکا هستی
۲۵۰	مردار
۲۵۳	زنگ
۲۵۵	راه حل ساده
۲۵۹	بائی ونیکا
۲۶۵	داستان لالانی
۲۷۱	کید
۲۷۴	در سانلاجیتا
۲۷۵	کشمکش
۲۸۱	تو زیوا هستی
۲۸۵	فی دیواتا
۲۹۴	طلوع
۲۹۷	اشاره به دریا
۲۹۹	تو سانلاجیتا هستی





مقدمه

در مورد بچه‌های فوق‌العاده‌ای که از هنگام تولد برای مبارزه با شیاطین شرور انتخاب شده‌اند، قصه‌های زیادی نوشته شده.

این از آن قصه‌ها نیست.

گاهی تو یک بچه‌ی معمولی هستی.

گاهی تو راه خودت را انتخاب می‌کنی.

بیا جلوتر. راحت لم بده. اکنون می‌خواهی به دو کوه دسر کنی؛ کهه‌هایی زنده، دست‌کم برای کسانی که بین آن دو زندگی می‌کنند. یخی را آسان‌تر عرش بالا رفته و تاریک است و سایه‌ی خون‌خواهی، بی‌تابی و وحشت بر اطراف می‌اندازد. سانلا جیتایی‌ها به آن کوه کاهنا می‌گویند.



فرصت‌های خوب زندگی دست پیدا کنی. این کوه ایسا است.

اکنون نمی‌توانی ایسا را ببینی. هیچ بشری تاکنون چشمش به ایسا نیفتاده است اما سانلاجیتیایی‌ها مطمئن‌اند ایسا آن‌ها را فرامی‌خواند. آن‌ها در تلاش برای رسیدن به آن جان خود را داده‌اند. آن‌ها مرتب می‌خواهند به آنجا سفر کنند. سرنوشت‌شان آن‌ها را به آن سو می‌کشاند، بی‌آنکه بدانند چه باور، مای نادرستی دارند.

کشتی‌های آن‌ها غرق می‌شود. قلب‌های آن‌ها می‌شکند. اما باز سفر می‌کنند، زیرا حضور ایسا را در افاق نادیدنی حس می‌کنند؛ در جایی خیلی دور اما نزدیک، برای دست یافتن، جایی آن سوی دریای دور.